

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

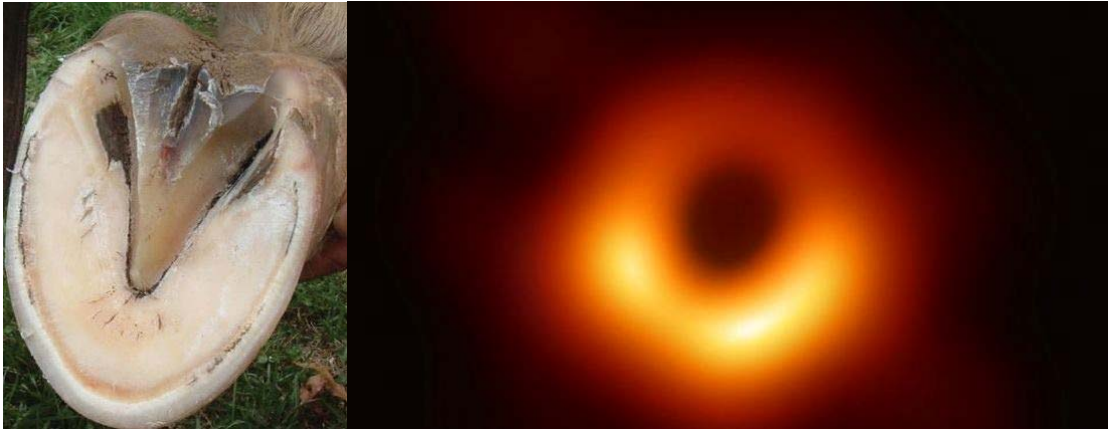
یونس نگاه - کابل

۱۷ اپریل ۲۰۱۹



یونس نگاه

سیاهچاله و سَم خر ملا نصرالدین



ملا نصرالدین از عکس سیاهچاله دیر خبر شد. بهار بود و ملا مصروف رسیدگی به خرش. هفته گذشته پالان خر خود را آفتاب داد، خرش را برای اولین بار بعد از چند ماه خوردو خواب در طویله به دشت و دمن برد، کمی گردش داد تا آماده سوارکاری شود. ملا به همین خاطر از خبرهای روز بی خبر مانده بود. دیروز وقتی از دشت به خانه برگشت، خرش را به طویله بست و پالان را که به آفتاب گذاشته بود به خانه برد و احساس کرد نور چیزی بسیار ارزشمند است. از این که کابل بعد از برف و باران فراوان چنان آفتاب گرم داشت، تا مغز استخوانش شاد و شکرگزار بود. پپاله‌اش را پر از چای کرد و پیش تلویزیون لمید.

در تلویزیون عکس سیاهچاله را دید و شنید که برای اولین بار از این پدیده شگفت‌انگیز تصویر گرفته‌اند. اولین چیزی که در ذهن ملا نصرالدین گذشت شباهت سیاهچاله با سم خرش بود. خر ملا نصرالدین وقتی روی خاک نرم راه می‌رود حلقه ای شبیه سیاهچاله به جای می‌گذارد.

ملا وقتی جای نوشید آفتاب رو به غروب گذاشته بود. وضو گرفت و به سمت مسجد راهی شد. در راه به بزرگی آسمان، شگفتی سیاهچاله و نور فکر می‌کرد. وقتی به اولین پله مسجد پا یگذاشت به‌خود آمد و شیطان را لعنت گفت. دلش را به شکوه مسجد مرمرین و طنطه صدای ملا سپرد و با خود گفت هیچ چیزی شکوه‌مندتر از این‌جا نیست. ملا نصرالدین گلچین به مسجد می‌رود و ملای مسجد هم به حضری و غیرحاضری او عادت کرده است. بعد از نماز ملا خطابه کوتاهی داشت و در آخر پرسید، دوستان و مؤمنان اگر مسأله‌ای داشته باشند می‌توانند مطرح کنند، به خصوص ملا صاحب نصرالدین که چند شب غیرحاضر بود.

ملا نصرالدین گفت من کمترین شمایم. صفت ملا به شما می‌زیبد که بر منبر نشست‌اید و پیش‌نمازید. در چند روز گذشته مصروف مرکب بودم. آخور بهاری‌اش را ترمیم کردم، پالانش را آفتاب دادم و کمی در دشت و دمن گرداندم تا سستی و کسالت زمستانی از تنش بدر شود. من خوش و آرامم. سوآلی هم ندارم.

ملای منبر پرسید: از بحث سیاهچاله که این چند روز غوغا کرده و بی‌دینان را به هیجان آورده خبرداری؟ ملا نصرالدین گفت: بلی همین امروز در تلویزیون دیدم و متوجه شدم که جهان بزرگ است و بسیار شگفت‌انگیز. البته ناگفته نماند که به شباهت عجیب بین سیاهچاله و سم مرکب خودم نیز متوجه شدم.

ملای منبر گفت: نصرالدین خان ما در چند روز گذشته در مورد سیاهچاله بحث‌های مفصل داشتیم و گفتیم که سیاهچاله چیز نو نیست و در کتاب مقدس ما قرن‌ها قبل به آن اشاره شده است. به دوستان مؤمن ما گفتیم که تلاش‌های کفار بیهوده است و هرچه بپالند چیز کشف‌نشده و تازه‌ای نخواهند یافت. آخرین کتاب چهارده قرن قبل نوشته شده، تاریخ علم با وفات آن حضرت به پایان رسیده است. کافران هرچه پیش‌تر می‌روند بیشتر غرق جهالت می‌شوند و بهتر می‌دانند که به بیراهه می‌روند. هیچ چیز گنگی در جهان، حتی در میلیاردها کیلومتر دورتر از زمین وجود ندارد که در کتاب ما وجود نداشته باشد. کشف سیاهچاله نیز به سم مرکب شما نمی‌ارزد.

ملا نصرالدین با شنیدن این گپ ملای منبر به‌یاد آورد که فردا باید سم خرش را پاک کند. ذهن او به طویله رفت و دیگر تا پایان مجلس برنگشت. او هیچ نشنید که ملای منبر گفت:

برادران مؤمن قیامت نزدیک است. به چرنیبات کفار گوش ندهید، عبادت کنید و برای آخرت خود توشه گردآوری کنید تا نزد باری تعالی سرخرو بروید. اما برای آن که ذهن‌تان با خرافات غربی و دانشگاهی آلوده نشود امشب به شما یادآور می‌شوم که انشتین فرمول مشهوری دارد موسوم به معادله جرم و انرژی. من امروز قبل از آمدن به مسجد بدون آن که مثل غربی‌های جاهل دوباره از صفر شروع کنم، تلسکوب بسازم، فورمول کشف کنم، الگوریتم ترتیب دهم و ده‌ها هزار عکس و سند جمع کرده بعد ماه‌ها در میان آن اسناد و عکس‌ها و الگوریتم‌ها لول بخورم و بیهوده راه‌های رفته را لگد کنم، نشستم مثل یک انسان مؤمن چرت زدم و دریافتم آن فرمول که به زبان فرنگی می‌گویند ای مساویست به ام‌سی مربع کشف تازه‌ای نبوده است بلکه قرن‌ها قبل اشاره‌هایی در کتاب مقدس ما در این زمینه شده است.

من چرت زدم و دریافتم که در کتاب مقدس ما ده‌ها بار و بیشتر از تعداد سال‌های عمر انشتین بر نور تأکید شده است. سوره‌ای به‌نام نور داریم. این سوره مبارکه چنین آغاز می‌شود: {این} سوره‌ای است که آن را نازل و آن را فرض گردانیدیم و در آن آیاتی روشن فرو فرستادیم باشد که شما پند پذیرید.

یعنی در این آیت خداوند می‌فرماید که سوره نور را نازل کردیم. نازل به صورت ضمنی به سرعت هم اشاره دارد. فرمول انشتین می‌گوید انرژی برابر است با حاصل ضرب جرم در مجذور سرعت نور. در این آیت اگر با چشم ایمان بخوانید اول از نور صحبت شده است و نور را در حال نازل شدن (سرعت) نشان داده است. مهم‌تر از آن اگر در فرمول انشتین ببینید سی به طاقت 2 وجود دارد (مجذور سرعت نور)، خوشبختانه در آیت مبارکه نیز به دو چیز اشاره شده است. یکی این که فرض گردانیدیم و دیگر آن که در آن آیات روشن فرو فرستادیم (مجذور سرعت نزول سوره نور).

ضمناً وقتی کمی بیشتر چرت زدم به ذهنم رسید که در فرمول رمزی انشتین سه حرف انگلیسی است (ای.ام.سی) و در قرآن کریم نیز به این فرمول با رمز سه حرفی (الم) اشاره شده است. هر دو سه حرف دارد ولی الم را با هزاران کتاب هم نمی‌توان به طور کامل رمز گشائی کرد. الم همان ای.ام.سی است، مربعش هم که کاری ندارد. وقتی خود حروف باشد عدد دو را یک طفل کودکستان نیز می‌تواند بر سرش بگذارد.

در این وقت ملای منبر متوجه شد که ملا نصرالدین در حالی که سرش به روی سینه‌اش خمیده آهسته خر و پف می‌کند. ملای منبر داد زد: نصرالدین خان چه چرت می‌زنی؟

ملا نصرالدین بیدار شد و سر اسیمه گفت: چیزی نی ملا صاحب. چرت سُم خرم را می‌زدم ولی خوابم برد.